بسیج گسترده نظامی در رژیم صهیونیستی سبب ایجاد مشکلات اقتصادی شدیدی شده است

اقتصاد جنگی اسرائیل نمی‌تواند همیشگی باشد

سجاد عطازاده
مترجم

آنکال ووهرا، نویسنده وب‌سایت فارن پالیسی در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد جنگی اسرائیل نمی‌تواند همیشگی باشد، بسیج گسترده نظامی در اسرائیل، سبب ایجاد مشکلات اقتصادی شدیدی شده است» به طرح این گزاره پرداخته است که پیامدهای اقتصادی طوفان الاقصی بسیار شدیدتر از نبردهای پیشین برای رژیم صهیونیستی است؛ امری که نمود آن کاهش چشم‌انداز رشد اقتصادی رژیم صهیونیستی از ۳ به ۲٫۳ درصد، کاهش ۳٫۵ تا ۱۵ درصدی تولید ناخالص داخلی این رژیم، بازگشت هفت هزار تایلندی شاغل در بخش کشاورزی اسرائیل به کشور خود و استفاده از بسیاری از فعالان بخش‌های مختلف اقتصادی به عنوان نیروی ذخیره نظامی است. نکته بسیار مهم این است که به اذعان نویسنده طولانی شدن جنگ سبب شدت گرفتن مصائب اسرائیل خواهد شد. محصولات زراعی جنوب اسرائیل اکنون در زیر نور خورشید مانده‌اند و با گذر هر دقیقه، بیشتر پژمرده می‌شوند. انبوه حرکت وسایل نقلیه نظامی این محصولات را به حرکت در باد وامی دارد. مزارع این منطقه به صحنه وسیعی برای فعالیت ارتش تبدیل شده است؛ مناطقی که مملو از چادرهای سبز زیتونی و تانک‌ها هستند. در هیچ کجا هم اثری از مزرعه‌داران دیده نمی‌شود. در ۷ اکتبر حماس به این منطقه حمله کرد و بیش از هزار نفر ازجمله چند خارجی را کشت. حدود ۷۰۰۰ شهروند تایلندی که بیشترین سهم نیروی کار کشاورزی اسرائیل را تشکیل می‌دهند پس از ربوده شدن حدود ۲۲ نفر و کشته شدن ده‌ها نفر دیگر از اسرائیل فرار کرده‌اند. بقای گلخانه‌های اسرائیل اکنون به داوطلبان دانشگاهی وابسته است. آنها سعی بر حل مشکلات داشته و تلاش کرده‌اند تا پیش از خراب شدن میوه‌ها آنها را بچینند اما تلاش آنها کافی نبوده و دولت اسرائیل شروع به واردات برخی از اقلام [غذایی] از کشورهای دیگر کرده است. اسرائیلی‌ها به نوآوری‌های فناورانه خود در عرصه کشاورزی و توانایی‌شان برای پرورش محصولات کشاورزی در یک منطقه بزرگ بیابانی و تامین غذای مردم خود می‌بالند اما اکنون کشاورزی در صدر فهرست بخش‌هایی قرار دارد که بار سنگین جنگ طولانی با حماس را متحمل خواهد شد. نفت و گاز، گردشگری، مراقبت‌های بهداشتی، خرده‌فروشی و فناوری هم از حوزه‌های دیگر تحت تاثیر هستند. یک پرستار خانگی فیلیپینی که به دلایل امنیتی از من خواست تنها با ذکر نام کوچکش - سیندی - از او یاد کنم در بازاری در اورشلیم به من گفت: «بسیاری از همکاران من اسرائیل را ترک کرده‌اند. اگر اوضاع بدتر شود، ما نیز از اینجا خواهیم رفت.» بسیاری از خطوط هوایی پروازهای خود را به اسرائیل متوقف کرده‌اند. دولت هم درخواست کرده است که فعالیت‌های جاری در یک میدان گازی متوقف شود تا خطر حمله هدفمند به حداقل برسد. ارزش شکل اسرائیل در حال حاضر به پایین‌ترین حد در ۱۴ سال گذشته سقوط کرده، بانک مرکزی این «کشور» هم پیش‌بینی رشد اقتصادی در سال جاری را از ۳ درصد پیشین به ۲٫۳ درصد کاهش داده است؛ به علاوه صنایع برجسته اسرائیل نیز با اختلال مواجه شده‌اند. اسرائیل با ۲۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی و ۱۴ میلیارد دلار کمک خارجی (که عمدتا در قالب مساعدت نظامی انجام می‌گرفت) وارد جنگ شد. با این حال کارشناسان معتقد هستند که درگیری‌های جاری میلیاردها دلار برای اقتصاد اسرائیل هزینه خواهد داشت و بهبود آن نیز نسبت به گذشته بسیار طولانی‌تر خواهد بود. البته داوطلبان اسرائیلی ساکن در داخل و خارج از این کشور در قالب نیروی کار اضافی یا با استفاده از ارائه کمک‌های مالی برای اصلاح وضعیت دست به کار شده‌اند.

میشل استراوچینسکی، اقتصاددان دانشگاه عبری اورشلیم و مدیر سابق بخش تحقیقات بانک مرکزی اسرائیل، گفت که هزینه دو رویارویی قبلی - جنگ لبنان در تابستان ۲۰۰۶ و جنگ علیه حماس در سال ۲۰۱۴ - تا ۰٫۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور هزینه به بار آورده و عمدتا بخش گردشگری را تحت تاثیر قرار داده است؛ اما این بار، تخمین‌ها از کاهش ۳٫۵ تا ۱۵ درصدی تولید ناخالص داخلی در سه ماهه آخر سال جاری حکایت دارد. با توجه به اینکه ۲۵۰ هزار نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و چاره‌ای جز اقامت در هتل‌ها یا نزد اقوام خود ندارند، شهرهای بسیاری تعطیل شده و کسب‌وکارهای زیادی نیز از بین رفته‌اند. علاوه بر این، فراخوان ۳۶۰ هزار نفر از نیروهای ذخیره که در زمان صلح در مشاغل مختلف مشغول به کار بودند، شرکت‌ها را تحت فشار قرار داده و ادامه فعالیت آنها را به عنوان مشاغل انتفاعی سودبر متزلزل کرده است. استراوچینسکی افزود: «این جنگ در مقایسه با این دو رویارویی (قبلی) هزینه‌های بیشتری را به همراه خواهد داشت؛ امری که دلیل آن مشارکت گسترده نیروهای ذخیره‌ای است که در زمان عادی وارد بازار کار می‌شوند اما در طول جنگ در مشاغل خود حضور ندارند. اگر جنگ طولانی شود، تاثیر کمبود منابع انسانی هزینه زیادی برای اقتصاد اسرائیل به بار خواهد آورد.»

گردشگری هم که سه درصد از تولید ناخالص داخلی اسرائیل را تشکیل می‌دهد و به طور غیرمستقیم شش درصد از کل مشاغل این کشور را فراهم می‌کند، ضربه مهلکی خورده است. ساحل تل‌آویو و سنگفرش‌های شهر قدیمی اورشلیم که جاذبه‌های گردشگری اصلی اسرائیل به شمار می‌رفتند، اکنون خالی از جمعیت هستند.

جنگ غزه چگونه عرب‌های اسرائیلی را تحت فشار قرار داده است

اکنون فصل اوج گردشگری است؛ اما رستوران‌ها و بارهای محله‌های تاریخی دروازه یافا، تنها به تعداد کمی از بازدیدکنندگان که بیشتر آنها هم توریست هستند، خدمات ارائه می‌دهند. دیگر خبری از گردشگرانی که برای غوطه‌ور شدن در آفتاب و حمام گرفتن در ترکیبی از حال و هوای غربی و خاورمیانه‌ای - بالذت بردن از حمص و کوکتل در نوامبری خوش آب‌وهوا - این بخش از جهان را مقصد سفر خود انتخاب می‌کردند، نیست. محمد، یک عرب اسرائیلی و صاحب یک مغازه آب‌نبات‌فروشی در تل‌آویو که به دلایل امنیتی درخواست کرد تنها از نام کوچک او استفاده شود، اظهار داشت: «اکنون فصل اوج توریسم است، اما هیچ گردشگری وجود ندارد؛ خبری از خانواده‌ها یا بچه‌هایی که برای آب‌نبات صف بکشند، نیست.» دوست او احمد حسونا هم زمانی که از اوضاع کسب‌وکارش سوال کردم دستانش را به بالا برد، به آسمان نگاه کرد و گفت: «هیچ خبری نیست. خیلی سخت است.» او همچنین به چندین مغازه اشاره کرد که از زمان شروع جنگ در جنوب باز نشده‌اند. هم یهودیان اسرائیلی و هم کارآفرینان عرب در استیصال مشترک بودند، جرعه‌جرعه قهوه می‌نوشیدند و ناامیدانه به خیابان‌های خالی خیره می‌شدند. در هتل مارکت هاوس در همان نزدیکی، علا مارشاگی، یک عرب اسرائیلی شاغل در بخش پذیرش گفت که در مقایسه با سال‌های گذشته تنها ۱۰ درصد هتل پر است و همه آنها نیز روزنامه‌نگار هستند. همکار او آوی کوهن، یک یهودی اسرائیلی، هم اظهار داشت که در بیشتر اتاق‌ها افرادی با نرخ تخفیف بسیار بالا ساکن شده‌اند که خانه‌های خود را در جنوب بر اثر جنگ تخلیه کرده‌اند. او به فارین پالیسی گفت: «ما با تخفیف ۵۰ درصدی به اضافه غذای رایگان از آنها پذیرایی می‌کنیم. البته در حال حاضر، دولت کمک می‌کند اما این کمک‌ها فقط تا ۲۲ نوامبر ادامه دارد.» صنعت استارت‌آپ در اسرائیل موفقیت‌های بزرگی داشته است و اگرچه در مقایسه با سایر حوزه‌ها آسیب کمتری به خود دیده، اما از قبل تحت فشار بوده است؛ زیرا سرمایه‌گذاران از کشوری که درگیر با اعتراضات گسترده به اصلاحات قضایی بود، خارج شده‌اند. سرمایه‌گذاری در این بخش در سال گذشته به نصف کاهش یافت؛ زیرا هزاران نفر علیه اصلاحات قضایی دولت که ظاهرا دادگاه‌ها را تضعیف کرده و به سیاستمداران حاکم قدرت می‌بخشد، تظاهرات می‌کردند. البته گروهی از سرمایه‌گذاران حوزه سرمایه‌گذاری خطرپذیر به کمک استارتاپ‌های نوپای اسرائیلی آمده‌اند و تلاش می‌کنند میلیون‌ها دلار برای نجات آنها از ورشکستگی جمع‌آوری کنند. آنها ابتکاری به نام ملت آهنین را برای محافظت از شرکت‌ها و اقتصاد این کشور در برابر فروپاشی بر اثر فشار راه‌اندازی کرده‌اند (بیش از ۲۰ درصد از فعالان صنعت فناوری اسرائیل، نیروهای ذخیره ارتش هم هستند). بنیانگذاران این ابتکار ادعا دارند که ۱۵۰ شرکت قبلا برای دریافت کمکی بین ۵۰۰ هزار تا ۱٫۵ میلیون دلار برای ادامه فعالیت کسب‌وکار خود به این ابتکار مراجعه کرده‌اند. مطالعه‌ای که توسط دانشگاه عبری اورشلیم با عنوان «مشارکت جامعه مدنی اسرائیل در جنگ شمشیرهای آهنین» انجام شده است، نشان می‌دهد تقریبا نیمی از جمعیت اسرائیل به نحوی داوطلب کمک مستقیم یا غیرمستقیم به آن دسته از هم‌وطنان خود هستند که تحت تاثیر حملات حماس و جنگ متعاقب آن قرار گرفته‌اند. پروفسور مایکل اولماگ بار، مولف این مطالعه به رسانه‌های اسرائیلی گفت سازمان‌های بشردوستانه داخلی و سازمان‌های غیردولتی «ده‌ها میلیون دلار» به اسرائیل اهدا کرده‌اند؛ این در حالی است که تخمین زده می‌شود کمک‌های یهودیان آمریکای شمالی به صدها میلیون دلار برسد.»

در همین حال اقتصاددانان هم دولت را تحت فشار قرار داده‌اند تا برای تامین هزینه‌های جنگ - که انتظار می‌رود به میلیاردها شکل افزایش یابد - بودجه را دوباره اولویت‌بندی کند. ۳۰۰ اقتصاددان اسرائیلی طی نامه‌ای سرگشاده به دولت، از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر و بزالل اسموتریچ، وزیر دارایی خواستند تا فورا مجموعه‌ای از اقدامات را علی‌رغم حس نارضایتی‌ای که ممکن است برای برخی از رأی‌دهندگان به آنها به وجود بیاید، اجرایی کنند. مشخصا آنها خواستار این شده‌اند تا پولی که برای برنامه‌های آموزشی جوامع افراطی ارتدکس کنار گذاشته شده است، به هزینه‌های نظامی اختصاص یابد. استراچینسکی گفت که اولویت باید تخصیص مجدد میلیاردها شکل برای «هزینه‌های دفاعی» و «پرداخت غرامت به افراد و شرکت‌های آسیب دیده» به‌ویژه در جنوب و شمال باشد. «ما توصیه می‌کنیم آنچه را که وجوه ائتلافی نامیده می‌شود، صرف امور دیگری کنید.» منظور از وجوه ائتلافی پولی است که برای برنامه‌های کلیدی احزاب مختلف حاضر در زیر چتر ائتلاف حاکم تخصیص داده شده است. او اضافه کرد: «این مسائل مربوط به گروه‌های رأی‌دهندگان آن احزاب و نه منافع مشترک، است.»

دولت اسرائیل یک طرح کمک اقتصادی ارائه کرده که در قالب آن یک میلیارد دلار برای کمک به کسب‌وکارها کنار گذاشته شده است؛ اسموتریچ، وزیر دارایی، نیز قول داده «هر چیزی که در قالب تلاش‌های زمان جنگ و تاب‌آوری کشور نگنجد، متوقف خواهد شد.» با این حال جناح راست افراطی همچنان مصمم است که اجازه ندهد فلسطینی‌ها بخشی از این راه حل باشند. ایتامار بن گویر، وزیر امنیت ملی و پرسروصداترین رهبر راست افراطی از تایید پیشنهاد استخدام تعداد بیشتری از فلسطینیان برای رفع کمبود کارگر در مزارع اسرائیل ممانعت کرده است.

صنعت کشاورزی اسرائیل با کمبود ۱۰ هزار نفر کشاورز مواجه و وزارت کشاورزی اسرائیل طرحی را برای تامین ۸ هزار نفر از آنها از کرانه باختری - از بین زنان در تمامی سنین و مردان بالای ۶۰ سال - پیشنهاد کرده است. با این حال گویر درباره خطرات امنیتی این کار هشدار داده است؛ ادعایی که برخی با توجه به تعمیق بی‌اعتمادی بین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها به آن صحه می‌گذارند؛ اما بعضی دیگر نیز آن را دارای سوگیری می‌خوانند، زیرا ۲۰ درصد از جمعیت اسرائیل در حال حاضر از اعراب اسرائیلی تشکیل می‌شوند که مسلما تا حدودی با آرمان فلسطین همذات‌پنداری دارند، اما با حماس نیز مرتبط نمی‌باشند. علی‌رغم کاهش ارزش شکل، کمیته پنج نفره بانک اسرائیل که بر سیاست پولی نظارت می‌کند، تصمیم گرفته است که نرخ بهره را همچنان در ۴٫۷۵ درصد حفظ کند. امیر یارون، رئیس بانک مرکزی اسرائیل بر تاب‌آوری اقتصاد اسرائیل تاکید کرده و اظهار داشته است «نباید تغییر عمده‌ای در وضعیت مبنایی مالی ما ایجاد شود.»

برای اولین بار نیست که اسرائیل وارد درگیری شده و در گذشته نیز از این دست درگیرها عبور کرده است؛ اما این بار انتظار می‌رود که جنگ طولانی‌تر شود و این احتمال نیز وجود دارد که به یک رویارویی منطقه‌ای تبدیل شود. استراچینسکی اظهار داشت که عامل کلیدی معادله در نهایت مدت زمان این درگیری خواهد بود.

چگونه جهان اعتماد خود به سازمان ملل را از دست داد

ریچارد گوانا، مسئول بخش سازمان ملل در گروه مطالعات بحران، در مقاله‌ای با عنوان «چگونه جهان اعتماد خود به سازمان ملل را از دست داد» که در وب‌سایت فارن افرز منتشر شده است، به طرح این گزاره پرداخته است که سازمان ملل در دوران جدید دیگر اعتبار چندانی در نزد جهانیان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، ندارد؛ امری که نمود آن توجه بیش از حد این نهاد به جنگ اوکراین و روسیه و در عوض بی‌عملی در برابر وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی در غزه است.

از سال ۱۹۴۷ زمانی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تقسیم فلسطین به دو کشور یهودی و عربی رأی مثبت داد، این سازمان با بحران‌های مختلفی در خاورمیانه دست و پنجه نرم کرده است. در دهه‌های اخیر، بحث‌های مربوط به مناقشه اسرائیل و فلسطین در سازمان ملل از همان پویایی اساسی قبلی برخوردار بوده است؛ ایالات متحده از وتوی خود برای جلوگیری از انتقاد از اسرائیل در شورای امنیت استفاده کرده و کشورهای عربی هم ممالک در حال توسعه را برای دفاع از فلسطینی‌ها گرد هم آورده‌اند. بحث‌های سازمان ملل در هفته‌های پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر هم عمدتا از این الگوی آشنا پیروی کرده است. واشنگتن مانع درخواست شورای امنیت برای اعلام آتش‌بس در نوار غزه شده است؛ اما در عین حال قادر نبوده تا قطعنامه‌ای را که در اواخر اکتبر با رأی مثبت اکثریت قاطع مجمع عمومی برای درخواست «آتش‌بس بشردوستانه» تصویب شد، متوقف کند. با این حال دیپلمات‌های مستقر در دفاتر سازمان ملل در نیویورک و ژنو می‌گویند که این بحران حالت متفاوتی دارد و تاثیرات آن می‌تواند فراتر از اسرائیل و نوار غزه به خود سازمان ملل نیز سرایت کند. هشدارهای آنها تا حدی واکنشی به وحشیگری حماس، افزایش تلفات غزه بر اثر بمباران اسرائیل و خطرات ناشی از تشدید تنش در منطقه است. در عین حال بدبینی گسترده نسبت به آینده سازمان نیز منعکس‌کننده فقدان اعتماد به کل این سازمان نیز است. تردید درباره کارآمدی نهادی که برای انعکاس روابط قدرت در قرن بیستم و مقابله با مشکلات پس از جنگ طراحی شده است، اصلا جدید نیست. با این حال سازمان ملل در سال گذشته بیش از هر زمان دیگری «فاقد سکان» به نظر می‌رسد و قادر به پاسخگویی بحران‌های مختلف مانند شعله‌ور شدن خشونت‌ها در سودان و قره‌باغ کوهستانی و کودتا در نیجر نبوده است. دیپلمات‌های شورای امنیت معتقد هستند تنش‌ها بین روسیه و غرب بر سر اوکراین - که موضوع بحث‌های بی‌ثمر سازمان ملل از زمان حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ بوده است - بحث‌های دیگر درباره موضوعات نامرتبط در آفریقا و خاورمیانه را تضعیف می‌کند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر هشدار داد که یک «شکستگی بزرگ» در نظام حکمرانی جهانی در راه است. جنگ بین اسرائیل و حماس ممکن است ضربه آخر به اعتبار سازمان ملل در پاسخ به بحران‌ها را وارد کند. دولت‌های ملی و مقامات سازمان ملل متحد به زودی با حساب و کتاب مواجه خواهند شد. آنها باید به این سوال پاسخ دهند در زمانی که نقاط مشترک بین قدرت‌های بزرگ روزبه‌روز در حال کاهش است، چگونه سازمان ملل می‌تواند به صلح و امنیت کمک کند.

سازمان ملل متحد متناسب با عصر کنونی باید جاه‌طلبی‌های خود را کاهش دهد. این سازمان درباره مسائل امنیتی باید بر تعداد محدودی از اولویت‌ها تمرکز کند و در صورت امکان، زمام مدیریت بحران را به دیگران بسپارد. برخی از مشکلات بین‌المللی همچنان به نوعی از هماهنگی نیاز دارند که فقط از مجرای سازمان ملل امکان‌پذیر است. حتی زمانی که به نظر می‌رسد کشورهای رقیب دیپلماسی را کنار گذاشته‌اند، این نهاد همچنان مکانی باقی خواهد ماند که در آن دشمنان می‌توانند اختلافات خود را حل کرده و فرصت‌هایی برای همکاری پیدا کنند. دولت‌های ملی و مقامات سازمان ملل به جای اینکه اجازه دهند درگیری‌های کنونی این نهاد را از هم بپاشد، باید برای حفظ حیاتی‌ترین کارکردهای آن تلاش کنند.

شروع مارپیچ

بحران اعتماد به سازمان ملل از زمان تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین شکل گرفته است. در هفته‌های بعد از این حمله دیپلمات‌ها نگران بودند تنش بین قدرت‌های بزرگ سازمان ملل را فلج کند. در ابتدا به نظر می‌رسید که ترس آنها نابجا بوده است؛ زیرا روسیه، ایالات متحده و متحدان اروپایی آن درگیر مجادلات شدید با یکدیگر درباره جنگ اوکراین بودند، اما با اکراه به هماهنگی با یکدیگر در سایر موضوعات ادامه دادند. مثلا شورای امنیت موفق شد رژیم تحریم جدیدی را بر باندهای تروریستی هائیتی تحمیل کند و بر سر ماموریت جدید سازمان ملل برای همکاری با دولت طالبان در کابل برای ارائه کمک به افغان‌های رنج‌دیده به توافق برسد. به نظر می‌رسید هم روسیه و هم غرب مایل به استفاده از قدرتمندترین نهاد سازمان ملل به عنوان فضایی برای همکاری در حوزه‌های باقی‌مانده هستند.

در همین حال ایالات متحده و متحدانش موفق شدند در مجموعه‌ای از رأی‌گیری‌های مجمع عمومی حمایت قابل توجهی را برای اوکراین کسب کنند. تا ماه‌های ابتدایی سال جاری بسیاری از دیپلمات‌ها امیدوار بودند که سازمان ملل توانایی خود را برای اقدام مشترک حفظ کند؛ حتی در شرایطی که بسیاری از اعضای آن بر سر جنگ در اوکراین رخ در رخ یکدیگر قرار گرفته بودند.

این تعامل شکننده پیش از پایان بهار شروع به از بین رفتن کرد. روسیه با تکرر فزاینده‌ای به عنوان یک عامل خرابکار در سازمان ملل عمل کرده است. در ماه ژوئن، مسکو با دولت مالی - که برای دریافت کمک‌های امنیتی دست نیاز به سوی شرکت نظامی خصوصی واگنر که تحت حمایت کرملین محسوب می‌شود، دراز کرده بود - همکاری کرد تا نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را مجبور به عقب‌نشینی از خاک کشور مالی کنند و به ماموریتی یک دهه‌ای آنها در این کشور پایان دهند. در ماه ژوئیه هم روسیه تمدید حکم شورای امنیت به آژانس‌های امدادرسان سازمان ملل مبنی بر ارسال کمک به مناطق تحت کنترل شورشیان در شمال غربی سوریه را که از سال ۲۰۱۴ جاری بود، وتو کرد. مسکو همچنین از ابتکار غلات دریای سیاه خارج شد؛ توافقی که با میانجیگری سازمان ملل و ترکیه در ژوئیه ۲۰۲۲ به اوکراین اجازه داده بود محصولات کشاورزی خود را بدون دخالت روسیه صادر کند. جنگ در خاورمیانه بر این رویکرد تند و تیز نسبت به دیپلماسی سازمان ملل شدت بخشیده است. در جریان فوران‌های گذشته مناقشه اسرائیل و فلسطین، از جمله وقوع خشونت در غزه در می ۲۰۲۱، روسیه و چین در سازمان ملل از انتقاد زیاد از دخالت ایالات متحده خودداری می‌کردند. این بار نیز چین از جنجال پرهیز کرده و اظهارات خود را به درخواست برای آتش‌بس محدود کرده؛ اما روسیه برای استفاده از این موقعیت عنان از کف داده است. پس از اینکه آمریکا در اواسط اکتبر قطعنامه شورای امنیت را که خواستار ارائه کمک‌های بشردوستانه به غزه شده بود وتو کرد. واسیلی نبنزیا، سفیر روسیه در سازمان ملل متحد، از «نفاق و استانداردهای دوگانه همکاران آمریکایی ما» ابراز تأسف کرد و تلویحا گفت که واشنگتن ممکن است برای افزایش فروش تسلیحات تولید خود به این جنگ دامن بزند. موضع روسیه در مورد مناقشه، اعضای شورای امنیت را که به دنبال زمینه‌های مشترک درباره مسائل بشردوستانه هستند و حتی کشورهای عربی را که گمان می‌کنند مسکو از رنج فلسطین برای اهداف خود سوءاستفاده می‌کند، آزرده است. اگر روسیه در سازمان ملل متحد است، حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از اسرائیل آسیب دیپلماتیک بیشتری به بار آورده است. این تاثیرات در مجمع عمومی آشکارتر است، جایی که ائتلاف کشورهایی که قبلا از اوکراین حمایت می‌کردند بر سر غزه متلاشی شده است. مجمع عمومی در ۲۷ اکتبر با ۱۲۰ رای موافق، ۱۴ رای مخالف و ۴۴ رای ممتنع، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن خواستار «آتش‌بس بشردوستانه» بین اسرائیل و حماس شد. ایالات متحده با استناد به عدم محکومیت حماس به خاطر جنایاتش، به قطعنامه رای منفی داد. کشورهای اروپایی تقسیم شدند و برخی رای موافق، برخی مخالف و برخی ممتنع دادند. سقوط قابل پیش‌بینی بود. دیپلمات‌های کشورهای در حال توسعه به طور خصوصی اعلام کردند که ممکن است قطعنامه‌های آینده سازمان ملل در حمایت از اوکراین را در پاسخ به عدم همبستگی غرب با فلسطینی‌ها رد کنند.

اگر روسیه وقعی به سازمان ملل نمی‌نهد، حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از اسرائیل آسیب دیپلماتیک بیشتری به بار آورده است. این تاثیرات در مجمع عمومی آشکارتر است؛ جایی که ائتلاف کشورهایی که قبلا از اوکراین حمایت می‌کردند اکنون بر سر غزه متلاشی شده است. مجمع عمومی در ۲۷ اکتبر با ۱۲۰ رای موافق، ۱۴ رای مخالف و ۴۴ رای ممتنع، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن خواستار «آتش‌بس بشردوستانه بین اسرائیل و حماس شده بود؛ اما ایالات متحده با استناد به عدم محکومیت حماس به خاطر جنایاتش، به قطعنامه رای منفی داد. کشورهای اروپایی نیز مواضع متفرقی داشتند و برخی رای موافق، برخی مخالف و بعضی ممتنع دادند. این وضعیت بغرنج قابل پیش‌بینی بود. دیپلمات‌های کشورهای در حال توسعه به طور خصوصی اعلام کردند که ممکن است قطعنامه‌های آینده سازمان ملل در حمایت از اوکراین را در پاسخ به عدم همبستگی غرب با فلسطینی‌ها رد کنند.

این شکاف احتمالا تلاش‌های اخیر ایالات متحده برای بهبود روابط خود با جنوب جهانی در سازمان ملل را تضعیف خواهد کرد. دولت بایدن خواستار اصلاحاتی در شورای امنیت شده است که می‌تواند به قدرت‌هایی مانند برزیل و هند صدای بیشتری در این شورا بدهد؛ به علاوه متعهد شده است که با بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همکاری کند تا منابع مالی را که کشورهای در حال توسعه به آنها بسیار نیاز دارند، فراهم کند؛ اما اکنون و پس از مواضع دولت بایدن درباره جنگ اسرائیل و غزه، ممکن است تمامی پیشرفت‌های مطلوب آن در این حوزه از بین برود.

نشستن کنارگود

جنگ در اوکراین و خاورمیانه تنها سبب رشد اصطکاک دیپلماتیک بین کشورهای عضو سازمان ملل نشده است؛ بلکه فشار زیادی را نیز بر دبیرکل سازمان ملل، گوترش، و کل نظام مدیریت درگیری این نهاد وارد کرده است. گوترش و دبیرخانه سازمان ملل، بدون برخورداری از حمایت یکپارچه از سوی شورای امنیت که نظارت روزانه بر عملیات صلح سازمان ملل را بر عهده دارد، تلاش کرده‌اند تا سازمان همچنان بتواند وظایف خود در حوزه مدیریت تنش را اجرایی نماید. در مناطق مشکل‌سازی مانند سودان، مالی و جمهوری دموکراتیک کنگو، دولت‌ها و طرف‌های متخاصم از همکاری با میانجی‌گرهای سازمان ملل خودداری کرده یا خواستار خروج نیروهای حافظ صلح سازمان ملل شده‌اند؛ زیرا آگاهند که بعید است با مجازات واقعی برای انجام این کار مواجه شوند. البته سازمان ملل توانسته است حضور بشردوستانه خود را در مناطقی مانند افغانستان حفظ کند، اما با کمبودهای فزاینده‌ای در بودجه خود برای این کار مواجه است؛ زیرا بسیاری از کمک‌کنندگان غربی میزان کمک‌های خود به این نهاد را کاهش داده و در عین حال مبالغ قابل توجهی را برای کمک‌های نظامی و بشردوستانه به اوکراین صرف می‌کنند. گوترش گرفتار درگیری‌های دیپلماتیک بر سر وقایع خاورمیانه شده است. پس از اینکه وی در سخنرانی خود در شورای امنیت در ۲۴ اکتبر اظهار داشت که حمله حماس به اسرائیل «در خلأ اتفاق نیفتاده است»، اسرائیل از او خواست استعفا دهد و همکاری خود را نیز با نهادهای بشردوستانه سازمان ملل کاهش داد. گوترش هرگونه اظهارنظر مبنی بر اینکه سخنان او می‌توانند به عنوان توجیهی برای آنچه او «اقدامات تروریستی» حماس نامیده است تفسیر شود را رد کرد. پاسخ اسرائیل در نهایت به تقویت گوترش منجر شد زیرا سایر کشورها، از جمله ایالات متحده، برای دفاع از او گرد هم آمدند؛ اما نحوه تبدیل این اظهارنظر به یک حادثه دیپلماتیک نشان می‌دهد که عملیات مساعدت سازمان ملل چقدر در برابر اختلافات سیاسی آسیب‌پذیر است. این آسیب‌پذیری به طور غم‌انگیزی در میدان نیز آشکار شده است؛ کما اینکه از زمان آغاز جنگ، نزدیک به ۱۰۰ کارمند سازمان ملل در غزه کشته شده‌اند.

بسته به طول و دامنه جنگ بین اسرائیل و حماس، حضور سازمان ملل در منطقه ممکن است گسترش یا کاهش یابد. اگر خصومت‌ها نسبتا سریع پایان یابد، آژانس‌های امدادی سازمان ملل نقش مهمی در تلاش آتی خواهند داشت. در یکی از سناریوهای پساجنگ هم که بنا بر گزارش‌ها به عنوان یک احتمال از سوی مقامات آمریکایی و اسرائیلی مطرح شده است، ممکن است از سازمان ملل خواسته شود که غزه را پس از پاکسازی حماس از این منطقه توسط ارتش اسرائیل اداره کند؛ اما اگر جنگ آنقدر طول بکشد که در سراسر منطقه گسترش یابد، حضور طولانی‌مدت صلح‌بانان سازمان ملل در جنوب لبنان و بلندی‌های جولان می‌تواند به خطر بیفتد. زمانی که اسرائیل آخرین بار در سال ۲۰۰۶ عملیاتی را در جنوب لبنان آغاز کرد، شورای امنیت تا آستانه تعطیلی دفتر سازمان ملل در بیروت پیش رفت اما پس از مخالفت دولت لبنان منصرف گشت. یک جنگ گسترده که حزب‌الله و ایران را هم درگیر سازد، نه تنها می‌تواند نیروهای حافظ صلح سازمان ملل را مجبور به عقب‌نشینی کند، بلکه فعالیت‌های بشردوستانه و دیپلماتیک این سازمان را در سایر نقاط خاورمیانه، مانند عراق و یمن، نیز به خطر خواهد افکند.

کاهش جاه‌طلبی‌ها

فارغ از نحوه پایان جنگ در خاورمیانه و اوکراین روندهای جاری در سازمان ملل به مشکلات پیش رو اشاره می‌کنند. گسست دیپلماتیک و آسیب‌پذیری‌های عملیاتی که اکنون سازمان را آزار می‌دهد احتمالا با گسترش شکاف‌های جهانی تداوم یافته یا حتی تشدید نیز خواهد شد. سازمان ملل قرار نیست به روزهای سگی جنگ سرد بازگردد. در سال ۱۹۵۹ شورای امنیت تنها یک قطعنامه را تصویب کرد این در حالی است که از آغاز سال ۲۰۲۳ و با وجود وضعیت بد روابط میان اعضای دائمی، این شورا بیش از ۳۰ قطعنامه برای به‌روزرسانی دستورات عملیات صلح سازمان ملل متحد و رژیم‌های تحریمی تصویب کرده است. با این حال سازمان ملل از دوران اوج خود در سال‌های پس از جنگ سرد نیز فاصله دارد، یعنی همان زمانی که این سازمان به طور منظم مجوز عملیات صلح، تلاش‌های میانجیگرانه و بسته‌های تحریمی را در پاسخ به درگیری‌های در حال ظهور صادر می‌کرد. ممکن است راه روشنی برای سازمان ملل وجود نداشته باشد که بتواند نقش سابق خود را به عنوان پلتفرمی همه‌منظوره برای رسیدگی به بحران‌های بین‌المللی روزبازیابد، اما این سازمان همچنان می‌تواند از نقش کمرنگ خود بهترین استفاده را ببرد. به نظر می‌رسد که مقامات سازمان ملل متحد نیز به این نقش رو به کاهش پی برده‌اند. در ماه ژوئیه، گوترش «برنامه جدید صلح» سازمان ملل را منتشر کرد که در آن تاکید چندانی بر مأموریت‌های حفظ صلح این سازمان نشده بود و در عوض از اعضای سازمان ملل خواسته شده بود تا بر تهدیدات امنیتی جدید مانند هوش مصنوعی تمرکز کنند. البته حتی در این حوزه نیز مشخص نیست که سازمان ملل چقدر می‌تواند تاثیرگذار باشد زیرا بازیگران بزرگ میدان هوش مصنوعی به‌ویژه ایالات متحده و چین ممکن است مایل نباشند تا این سازمان مسئولیت تنظیم‌گری فناوری هوش مصنوعی را بر عهده بگیرد.

اما به نظر می‌رسد که سازمان ملل میل دارد نقش خود در ارتقای امنیت جهانی را حفظ کند، حتی اگر نقش عملیاتی محدودتری نسبت به گذشته داشته باشد. این سازمان به جای استفاده از نیروهای خود می‌تواند از سایر مدیران بحران، یعنی سازمان‌های منطقه‌ای و حتی کشورهای منفرد حمایت کند. این مدل در حال حاضر در حال آزمایش است. مثلا در ماه اکتبر شورای امنیت به کنیا اجازه داد تا یک ماموریت کمک امنیتی چندملیتی در هائیتی را رهبری کند. ایالات متحده هم در حال کار با چندین کشور آفریقایی روی پیشنهادهایی برای سازمان ملل برای تامین مالی مأموریت‌های ثبات‌بخش به رهبری کشورهای آفریقایی در این قاره است؛ به این امید که شاید این نیروها انگیزه بیشتری نسبت به حافظان صلح سازمان ملل برای مبارزه با شبه‌نظامیان و شورشیان داشته باشند. اگرچه ایالات متحده، چین و روسیه اکنون در سازمان ملل بر سر بسیاری از مسائل با هم اختلاف دارند اما شورای امنیت هنوز هم می‌تواند در حالت جدیدی از تعادل قرار گیرد. این نهاد هنوز هم قادر است تا به عنوان محلی برای خنثی کردن درگیری‌های بین قدرت‌های بزرگ و مقابله با یک زیرمجموعه کوچک اما مهم از بحران‌ها که در آن این قدرت‌ها به همکاری مشترک علاقه‌مند هستند، باشد؛ رخدادی که عملکرد سازمان ملل را در طول جنگ سرد یادآوری می‌کند. بعید به نظر می‌رسد که قدرت‌های بزرگ بر سر چیزهای زیادی به توافق برسند اما مواردی نیز وجود دارد از جمله توافقنامه شورای امنیت در مارس ۲۰۲۱ مبنی بر اینکه هیات معاونت سازمان ملل در افغانستان باید برای مقابله با طالبان در این کشور باقی بماند که واشنگتن، پکن و مسکو هنوز هم درباره آنها از دلایلی برای همکاری برخوردار هستند، حتی با وجود عدم کارکرد شورای امنیت نظام گسترده‌تر سازمان ملل همچنان می‌تواند نقش مهمی در مدیریت منازعات بین‌المللی ایفا کند. آژانس‌های امدادی سازمان ملل ظرفیت‌های منحصربه‌فردی برای کاهش و مهار اثرات خشونت دارند و علی‌رغم دردسرهای بودجه‌ای فعلی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. مقامات سازمان ملل همچنین به دنبال راه‌هایی برای کار روی پیشگیری از درگیری هستند که به نظارت شورای امنیت متکی نباشد؛ مانند استفاده از بودجه بانک جهانی برای حمایت از ارائه خدمات اساسی در کشورهای ضعیف. در یک دوره تنش ژئوپلیتیکی سازمان ملل متحد ممکن است در حل بحران‌های بزرگ پیشتاز نباشد اما می‌تواند در حاشیه برای محافظت از اقشار آسیب‌پذیر کارهای زیادی انجام دهد. جنگ در خاورمیانه و اوکراین و همچنین تنش بین چین و ایالات متحده همکاری بین‌المللی را دشوارتر و حیاتی‌تر می‌کند. در هفته‌ها و ماه‌های اخیر بسیاری از مقامات و دیپلمات‌های سازمان ملل اظهار نگرانی کرده‌اند که این سازمان در حال سقوطی آزاد است اما اگر سازمان ملل نقش دیپلماتیک و امنیتی خود را برای انطباق با واقعیت‌های جدید جهانی به‌روز کند همچنان می‌تواند از جایگاه لازم برخوردار باشد.